

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ سپتمبر ۲۰۲۱

پاکستان استاد استفاده ابزاری از دیگران!

(۴)

دوشنبه ۲۲- سنبله ۱۴۰۰- کابل:

۷- با سقوط حاکمیت مزدوران روس و به قدرت رسیدن سگان پاچه گیر پاکستان، هر چند یک مرحله استفاده ابزاری از سگان پاچه گیر و جهان خاتمه یافت، مگر آن وضعیت بدان معنا نبود که پاکستان بر سیاست استفاده خود از سگان پاچه گیرش تجدید نظر نموده و بعد آنها را به حال خود شان خواهد گذاشت.

عکس چنین تصویری، پاکستان به محض آغاز غارت تمام دارو ندار باقی مانده از مزدوران روس، سریعاً به فکر استفاده ابزاری بیشتر از سگان پاچه گیرش در آسیای میانه افتاده، با استفاده از درماندگی سالهای ۹۰ قرن گذشته میلادی در روسیه و با اتکاء به حمایت جهان غرب و عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، و از در رقابت با ایران و ترکیه تلاش نمود تا هر چه زودتر زیر نام "انقلاب اسلامی" و "اسلامیزه ساختن" تمام ساختارهای کشور های به اصطلاح اسلامی آسیای میانه را تصرف و نفوذ خویش را در آن کشور ها بسط و توسعه دهد.

آنهایی که در آن زمان در شهر کابل حیات به سر می بردند حتماً به خاطر می آورند که به یک باره به صد ها هزار جلد کتاب چاپ قصه خوانی با عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین محتوایی که می توان تصور نمود، جهت صدور به کشور های آسیای میانه در شهر کابل پیدا شده و از هر جهت تلاش صورت می گرفت تا آنها را به مثابه قدامه تهاجم فرهنگی اسلام پاکستانی بدان کشور ها انتقال دهد.

مشکلی که در این امر سر راه زمامداران پاکستان عرض وجود نمود، مخالفت حاکمیت مسعود-ربانی با این امر بود. این مخالفت نه از آن بابت بود که گویا آنها مخالف نفوذ پاکستان در افغانستان و یا آسیای میانه بودند، بلکه بدان علت بود که باند مسعود-ربانی قبل از رسیدن به حاکمیت با شوروی متوفا و به تعقیب آن با حاکمیت های جدید الولاده کشور های آسیای میانه و دولت هند قرارداد ها و توافقاتی داشتند که نمی توانست آن را نادیده بگیرند. از همین رو ضمن آن که حاضر بودند و شدند تا تمام داروندار افغانستان را در طبق اخلاص گذاشته پیشکش بدارشان زمامداران پاکستان نمایند، مگر حاضر نشدند به پاکستان این امکان را مساعد سازند تا بستر نفوذش را در کشور های آسیای میانه نیز گسترش دهد.

هموطنان گرامی!

این که دید شما نسبت به علل آغاز جنگهای داخلی در کابل که بحق به سگ جنگی های تنظیمی مسما گردیده چیست نمی دانم، از دید من در کنار ده ها دلیل دیگر، نقش پاکستان در تشدید خصومت بین باند های کلب الدین در یک سمت و ربانی- مسعود در سمت دیگر و به همین سان تشدید رقابت بین باند های وابته به ایران و عربستان و افغانستان و شهر کابل را به حمام خون مبدل نمودن، یکی از علل اساسی بوده که نمی توان به هیچ وجه آن را نادیده گرفت و یا کم بها داد.

بدین معنا که پاکستان می خواست بعد از فتح کابل و افغانستان را به "عمق ستراتیژیکش" مبدل ساختن، با استفاده از خلأ قدرت به وجود آمده بعد از اضمحلال و فروپاشی شوروی، پنج کشور آسیای میانه را زودتر از سایر رقباء فتح نماید و چون حاکمیت ربانی- مسعود را که با هزاران رشته به هند و کشور های آسیای میانه و قدرت در حال فروپاشی روسیه پسا شوروی وابسته بود مخالف و یا حد اقل ناتوان در تعمیم این ستراتیژی دید، بعد از دامن زدن جنگ بین دو باند کلب الدین و ربانی-مسعود و تضعیف و رسوا ساختن هر دو طرف، طالب را به وجود آورد، تا سیاست گسترش نفوذش به شمال رود آمو را پیش ببرد.

هموطنان گرامی!

امپریالیسم غرب و شرکای بین المللی آنها از جمله ارتجاع عرب و جمهوری رویونیستی چین آن زمان که از آغاز دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی فکر می نمودند تلاش های پاکستان در جدیت حمایت از سگان پاچه گیرش در افغانستان حالت دفاعی داشته منظور از آن حفظ پاکستان از خطر تهاجم شوروی متوفا است و بعد ها فکر می نمودند در بهترین صورت به افغانستان به مثابه "عمق ستراتیژیک" آن دولت مقابل هند نیاز دارند، با روی کار آوردن طالب، علی رغم آن که قسماً پروژه خودش بود، متوجه شدند که پاکستان در ظاهر ابراز بندگی و چاکری برای آنها اهداف خود را تعقیب نموده می خواهد از ترکیب کشور اتومی خودش با ۵ کشور آسیای میانه جمع افغانستان، یک قدرت بزرگ نظامی، اقتصادی و سیاسی را به وجود بیاورد که با بیش از ۳۵۰ میلیون جمعیت و قدرت اتومی و اقتصادی دست نخورده اش مجموع آسیای میانه تا بحر هند را احتوا نماید.

هموطنان گرامی!

به نظر من زمانی که امپریالیسم امریکا و شرکاء در توافق کامل کشور های همسایه افغانستان منهای پاکستان بر افغانستان لشکر کشید و حاکمیت تازیانه و دار طالبان را سقوط داد، این تهاجم گسترده امپریالیستی بدان علت نبود که گویا طالب ترمرد نموده و یا گویا القاعده را میزبانی نموده بود. بلکه علت اصلی آن درک محتوای تهاجم گسترده ای بود که دولت پاکستان با خر ساختن و استفاده ابزاری از تمام دوستان و آشنایانش جهت تصرف آسیای میانه طرح نموده با شرکت دادن کلان سرمایه هائی از عربستان و یهود ساکن امریکا، امپراتوری خودش را بنیان گذارد.

می شود گفت در واقع حمله امریکا بر افغانستان و به زیر کشاندن طالب مصداق کامل ضرب المثل میهن ما بود که می گوید: "سگ را بزن که صاحبش بترسد". آنها یکی از سگان پاچه گیر دولت پاکستان یعنی طالب را زدند تا پاکستان حدش را شناخته، ساختن امپراتوری خاص خودش را در منطقه فراموش نماید.

ادامه دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!